

بقلم : آقای موبد فیروز آذرگشسب

## سخنی چند راجع به گاتاها

یکی از آیات بسیار نغز و پرمغز گاتاها که بزرگترین درس زندگی را به انسان میآموزد آیه نهم از یسنای ۴۵ یا سومین فصل از اشتود گاتا میباشد که متأسفانه درست ترجمه نشده و منظور واقعی پیامبر بزرگ ایران کاملاً روشن نگردیده است. برای اینکه خوانندگان محترم مجله گرامی از مغان بتعالیم اخلاقی وارزنده زرتشت پی ببرند ترجمه صحیح آیه مذکور را در زیر نقل مینماید:

« من بوسيله اندیشه پاک خشنودی او ( اهورا مزدا ) را خواستارم که با اراده خویش خوشی و اندوه بیا فرید - اهورا مزدا با قدرت خویش خدمت به گروه انسان را برای ما مقرر داشت .

برای پیشرفت ( آنها ) بسوی راستی دانش عمیق را که ( زائیده ) اندیشه پاک است ( بهترین وسیله دانست ) . »

از ترجمه فوق سه درس بزرگ اخلاقی میتوان آموخت : اول اینکه انسان باید برای انجام هر کاری رضا و خشنودی پروردگارا در نظر داشته و آنی از توکل بحق غافل نباشد وقتی که انسان خدا و وجدان پاک را همیشه مورد توجه قرار داد هیچوقت گرد خطاکاری نخواهد گشت و گناهی از او سر نخواهد زد زیرا اندیشه پاک و ضمیر روشن مانند چراغی نورانی در مسیر زندگی رهنمای او خواهند بود .

دوم اینکه عزت و ذلت و سعادت و نکبت و شادی و غم در دست پروردگار و به اراده اوست هر که را که خواهد سروری و عزت بخشد و هر که را که خواهد به کپتری و مذلت گرفتار کند این گفتار درست عین فرمایش حضرت محمد است که فرمود « تعز من تشاء و تذلل من تشاء » یعنی هر که را که خواهی عزت بخشی و

هر کرا خواهی ذلت و با این شعر شادروان فردوسی که میفرماید :

یکی را بر آری بچرخ بلند      یکی را کنی خوار و زار و نژند

مصداقی پیدا میکند منظور از این تعلیم اخلاقی آنست که انسان در موقع قدرت و جاه و مقام نباید غره گردد و خداوند را از نظر دور دارد و نسبت بهم نوعان خود ستم روا دارد و افاده بفروشد زیرا عاقبت و سر نوشت انسان هیچ معلوم نیست و ممکن است به آنی از اوج عزت و شوکت بقعر نکبت و مذلت فروافتد. شاید برای برخی این توهم ایجاد شود که چون سر نوشت انسان نامعلوم است و خوشبختی و بدبختی و موفقیت و شکست او در زندگی بستگی به مشیت و اراده الهی دارد پس تلاش و کوشش معنی و مفهومی نخواهد داشت ولی زرتشت بلافاصله می فرماید :

« اهورا مزدا با قدرت خویش برای انسان کار و کوشش و خدمت بهم نوع را مقرر داشت . »

درست است که شادی و غم و خوشبختی و بدبختی به امر و مشیت پروردگار صورت می گیرد ولی کار و کوشش انسان نیز در آن بی تأثیر نیست نباید دست روی دست گذاشت و از انجام کار سر باز زد و به انتظار هر چه پیش آید خوش آید نشست در مذهب زرتشت کار و کوشش و کمک به پیشرفت و آبادانی کشور از وظایف هر مرد وزن و از فرایض دینی شمرده شده است و در آیه مقدس « یتاهو » میفرماید بزرگترین موهبت الهی نصیب کسی خواهد شد که کار را با خلوص نیت و صمیمانه و بصرف اینکه وظیفه است انجام دهد بدون اینکه توجهی بمنافع و عوایدی که ممکن است از آن کار عاید گردد داشته باشد خلاصه بزبان عامیانه « کار عار نیست » شخصیت و احترام شخص بستگی بطرز انجام کار و یا وظیفه ای دارد که آن شخص عهده دار یا مسئول آن کار است .

در آیه فوق‌زرتشت بهترین نوع کار را خدمت بهم نوع و دستگیری از بیچارگان و مستمندان دانسته است زیرا خدمت بهم نوع و خود خواهی و نفس پرستی و غرور و تکبر بیچار را در انسان کشته و روح فداکاری و از خود گذشتگی و محبت را در او تقویت خواهد کرد در این جهان مادی هر کس برای رسیدن بجاه و مقام و ثروت و دارائی بیشتر و زندگانی مرفه و آسوده تر تلاش میکنند یعنی در حقیقت برای بهبود وضع خویش و خانواده خود ممکن است هر گونه عملی ولو بضرر دیگران باشد انجام دهد اگر منافع او با دیگران اصطکاک پیدا کرد ممکن است برای حفظ منافع شخصی مرتکب اعمال خلاق قانون و حتی خلاف مردانگی و انسانیت گردد بعضی اشخاص کوتاه فکر و خود خواه برای بر آورده شدن امیال و آرزوهای نفسانی خود ممکن است دست بجنایاتی نیز بزنند تا بخیال خود شاهد سعادت را در آغوش کشند ولی هر گاه شخص از خود بگذرد و منافع شخصی را فدای منافع اجتماع کند و سعادت و خوشبختی خود را در سعادت و خوشبختی دیگران بداند و خدمت بدیگران را بر انجام کارهایی که دارای منافع شخصی است ترجیح دهد چنین شخصی از بهترین خوشبختی برخوردار خواهد گشت و شایسته احترام میباشد - خدمت بعالم بشریت چه از راه قلم و زبان و چه از راه ایجاد مؤسسات فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی و رساندن کمکهای مادی و معنوی بهم نوع در کیش زرتشت بهترین خدمت و کار شناخته شده است .

سومین درسی که از آیه مذکور گرفته میشود این است که زرتشت علم و دانش را تنها وسیله پیشرفت بشر بسوی راستی و کمال دانسته است اینهمه جنایات و قتل و کشتارهایی که هر روز در روزنامهها و مجلات داخل و خارج میخوانیم هزار گونه ابتلائات و مفساد اخلاقی و بدبختی و بیچارگیهایی که مردم کشورهای عقب

افتاده با آن دست بگیریند در اثر جهل و نادانی و یا اندیشه های مسموم و ناشایست میباشد جهل و غفلت مادر تمام عیوب است شخص نادان چون اندیشه اش رشد نکرده هر گونه سخنان بی سر و ته را باور خواهد کرد بموهوم و خرافات عقیده خواهد داشت و بزودی از راه درست منحرف و آلت دست شیادان و کلاهبرداران قرار خواهد گرفت .

در کشوری که از لحاظ فرهنگ عقب باشد قتل و جنایت و دزدی و هتک ناموس و هزاران مفاسد دیگر حکمفرمایی خواهد کرد علم و دانش تنها وسیله نجات شخص از بدبختی و گمراهی و رسیدن بدرجه کمال میباشد .

موضوعی که در این آیه مورد توجه قرار میگردد این است که زرتشت دانشی را که از اندیشه پاک سرچشمه گرفته باشد وسیله پیشرفت میدانند زیرا شخص ممکن است با کسب علم و دانش و واقف شدن بر موز خیلی از کارها و چیزها اگر دارای اندیشه ناپاک و دلی سیاه باشد معلومات خود را در راه تباهکاری و نادرستی و جنایات و نیستی بشر بکاربرد پس آنچه لازمه ترقی بشر بسوی کمال و رسائی است تنها علم و دانش نیست بلکه اندیشه پاک و ضمیر روشن نیز شرطی مهم است هر گاه اندیشه و نیت متصدیان امور و سران کشورهای بزرگ پاک و خالی از هر گونه اغراض و کینه توزی باشد نتایج علم و دانش بشری که همانا اختراعات و اکتشافات محیر العقول است برای خیر و صلاح بشر و سود جوامع بکار خواهد افتاد و هر گاه برعکس نیت و اندیشه بزرگان و سران کشورها مغرضانه و ناپسند باشد باید بجای پیشرفت و ترقی و صلح و صفا انتظار بدبختی و بیچارگی بزرگی را داشت پس بنا بر موده زرتشت بهترین وسیله پیشرفت بشر بسوی کمال و رسائی دانش عمیق و نیت و اندیشه پاک است و لا غیر .

اکنون ببینیم پروفیسور بارتولومه اوستا شناس معروف این آیه را چگونه ترجمه کرده است :

« تو باید خوشنودی او و هومن را از برای ما فراهم کنی چه خوشی و ناخوشی ما به اراده او صورت پذیرد بشود که مزدا اهورا از قدرت خویش ما را به کشت و کار یاری کند تا آنکه بستوران و برزیگران نمو و ترقی دهیم برای آنکه (ما) بتوسط اشا از منش پاک برخورداریم . »

همانطور که در مقالات پیش متذکر گردیدم خاورشناسان غرب اغلب معانی کلمات اوستائی را که بطور مجاز بکار رفته است حقیقت پنداشته و در صدد پیدا کردن مفهوم واقعی این واژه‌ها بر نیامده‌اند دو کلمه‌ای که در این آیه ایجاد سوء تفاهم برای مستشرقین غرب نموده است « پسوش ویرنگ » میباشد که بمعنی ستوران و برزیگران یا حیوان و انسان ترجمه کرده‌اند در صورتیکه دکتر نارا پور والا منظور از این واژه را گاو یا گروه انسان گرفته است همانطور که زرتشت در جای دیگر گاتاها خود را شبان و راهنما میخواند در اینجا نیز انسان را به صورت گله آورده است و نباید تحت‌اللفظی ترجمه کرد و ستور و برزگر گرفت بلکه منظور واقعی همان گروه و جماعت انسان است ( حضرت مسیح نیز اغلب خود را شبان و پیروان خود را گله گوسفند خطاب میکند ) .

واژه ورزا نیز که بمعنی کار و کوشش است بارتولومه بمعنی کشت و کار گرفته است بدین طریق خواسته است نشان دهد که پیمبر ایرانی به کشت و کار و زراعت بسیار اهمیت میداده آنچه مسلم است در گاتاها جنبه معنوی عبارات بجنبه مادی آنها می‌چربد و در این آیه نیز منظور از « وزرا پسوش ویرنگ » خدمت بهم نوع بوده است نه کشت و کار در هر حال قضاوت در این باره را به خوانندگان محترم وا می‌گذارم .